



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۴ فروردین ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسأله ۱۴- تکمله: راههای دیگر جلوگیری از بارداری- الف) راههایی که موجب عقم نمی شوند

دسته دوم: بعد از انعقاد نطفه (راه دوم)

جلسه: ۹۴

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

نکته

برخی از دوستان در مورد روایتی سؤال کرده بودند. در مورد سه طلاق دادن زن تعبیری در روایات وارد شده که قبلاً هم اشاره کردیم و آن اینکه نمی تواند دوباره با این زن ازدواج کند «حتی تذوق عسیلته». در برخی روایات دو تعبیر آمده: «حتی یدوق عسیلته و تذوق عسیلته». این کنایه از درک لذت مباشرت و لذت جماع است که به صرف عقد حاصل نمی شود. یعنی اینطور نیست که اگر محلل صرفاً عقد کند، این برای جواز نکاح کافی باشد؛ بلکه حتماً باید مجامعت و مباشرت صورت گیرد، به نحوی که لذت و حلاوت مباشرت را هم زن و هم مرد درک کند. این هم در جوامع روایی اهل سنت و هم در جوامع روایی شیعه آمده است. اصل روایت در کتبی مثل دعائم الاسلام و برخی دیگر از جوامع روایی ذکر شده، لکن مستدرک الوسائل^۱ این روایات را بیان کرده که اصل آن در دعائم الاسلام آمده و آن را سماعه ابن مهران از برخی از ائمه (ع) نقل کرده است.

خلاصه جلسه گذشته

بحث ما درباره آن دسته از راهها و طرقی بود که مانع از بارداری می شود و جلوی تکون فرزند را می گیرند. منتهی عرض کردیم بعضی از اینها به نحوی هستند که موجب عقم و ناباروری می شوند و برخی موجب عقم نیستند. ما درباره آن طرقی بحث می کردیم که موجب عقم و ناباروری نمی شوند. خود این طرق دو دسته هستند؛ یک دسته از طرق مربوط به قبل از انعقاد نطفه است که برخی از آنها به مردان و برخی به زنان مربوط می شود؛ ما شش طریق را در این گروه بررسی کردیم. البته روش هفتمی نیز در مورد دسته اول وجود دارد؛ چون ما گفتیم بعضی از قرصها یا تزریقاتی که صورت می گیرد، مانع تولید تخمک در زنان می شود. نظیر همین در مورد مردان هم هست که چون خیلی معمول نیست ما به آن اشاره نکردیم. بعضی از قرصها وجود دارند که در یک دوره ای که توسط مردان مصرف می شوند، اسپرم را در منی آنها از بین می برد و قهراً موجب از بین رفتن امکان تشکیل نطفه و تکون فرزند می شود.

دسته دوم، راههایی هستند که بعد از انعقاد نطفه به نحوی عمل می کنند که آن را از بین می برند. راه اول را مورد اشاره قرار دادیم و آن این بود که از بعضی از داروها استفاده شود که هم خاصیت جلوگیری از تولید تخمک را دارند و هم از لانه گزینی نطفه بعد از لقاح اسپرم تخمک جلوگیری می کنند. در این باره گفتیم چون به صورت احتمالی ممکن است نطفه را از

۱. مستدرک الوسائل، کتاب الطلاق، باب ۷ از ابواب اقسام الطلاق، ج ۱۵، ص ۳۲۷، ح ۱ و ۳ و ۵.

بین برده باشد، دلیلی بر حرمت استفاده از این روش نداریم. اینجا عرض کردیم حکم حرمت منوط به این است که ما این را مصداق سقط جنین بدانیم، که علی الظاهر نه در عرف عام و نه در عرف خاص به از بین رفتن نطفه در این مرحله شاید عنوان سقط جنین صدق نکند. مشکل اصلی که سر جای خود باقی است، آن است که این در حد یک احتمال است. تنها مانعی که اینجا وجود دارد روایتی از اسحاق بن عمار است که این روایت را بررسی کردیم و تفاوت مورد روایت با موضوع مورد بحث را بیان کردیم. اصل مسأله حرمت از بین بردن نطفه و جلوگیری از لانه گزینی، این بحثی است که در ذیل روش دوم بیشتر درباره آن بحث می‌کنیم.

ادامه بررسی راههای که موجب عقم نمی‌شوند (بعد از انعقاد نطفه)

۲. راه و روش دوم برای جلوگیری از بارداری، روشی است که اصطلاحاً به آن I U D گفته می‌شود. بر اساس این روش یک چیزی که از جنس مس یا برخی ترکیبات دیگر است، را در داخل رحم قرار می‌دهند. این دستگاه با ایجاد التهابات خاص در درون رحم، آمادگی رحم را برای لانه گزیدن نطفه در درون رحم از بین می‌برد. قبلاً در تشریح کیفیت باروری زنان عرض کردیم بعد از آنکه اسپرم داخل رحم می‌شود و به سمت فوقانی رحم حرکت می‌کند، با هدایت به داخل لوله‌هایی که متصل به رحم هستند و تخمک در آن تولید شده، با تخمک امتزاج پیدا می‌کند و لقاح صورت می‌گیرد و آن گاه به سمت فضای میانی رحم برمی‌گردد که حدود دو هفته طول می‌کشد. در طی مدت دو هفته از مواد غذایی خود همین سلول‌ها تغذیه می‌کند و بعد با تشکیل جفت و اتصال آن به بدن مادر، تغذیه از جسم مادر شروع می‌شود. مرحله چسبندگی به جداره رحم را لانه گزینی می‌گویند. نطفه هست ولی هنوز به جداره رحم متصل نشده است. کاری که I U D انجام می‌دهد دقیقاً مثل همان داروهایی است که در راه اول گفتیم؛ منتهی در راه اول گفتیم که این داروها دو منظوره هستند؛ یعنی هم قابلیت از بین بردن تخمک را در زنان دارند و هم چنانچه تخمک تولید شده باشد و با اسپرم امتزاج پیدا کرده باشد، این نطفه را قبل از مرحله لانه گزینی - یعنی در طول مدت زمان دو هفته - از بین می‌برد.

در روش I U D فقط همین کار دوم انجام می‌گیرد و دیگر کاری به مرحله تولید تخمک ندارد. فضای داخلی رحم با قرار گرفتن این دستگاه به نحوی می‌شود که دیگر امکان لانه گزینی سلب می‌شود و این نطفه نمی‌تواند به جداره رحم بچسبد.

تفاوت راه دوم با راه اول:

الف) این روش یک منظوره است و آن روش دو منظوره است.

ب) تفاوت دیگر هم بین این روش و روش قبلی هست و آن اینکه نصب این دستگاه در درون رحم غالباً مستلزم نظر به عورت زن است و فرقی نمی‌کند که ناظر مرد باشد یا زن. اصل نظر به عورت زن محل اشکال است، اعم از اینکه آن کسی که این کار را می‌کند مرد باشد یا زن.

ج) دیگر آن که این کار مستلزم لمس است و چه بسا بدون لمس این روش ممکن نباشد و قهراً لمس عورت برای مرد اجنبی قطعاً حرام است و برای زن هم خالی از اشکال نیست. به عبارت دیگر این روش مقارن با دو عنوان دیگر است؛ یکی

لمس العورة و دیگری النظر الی العورة. راه اول فقط مصرف داروست و دیگر این دو عنوان در آن نیست اما اینجا این تفاوت وجود دارد.

پس مجموعاً در این روش سه تفاوت با روش و راه اول هست. یکی اینکه قطعاً تنها خاصیت این روش از بین بردن نطفه است. دوم اینکه استفاده از این روش مقارن با نظر به عوره است؛ سوم اینکه به کارگیری این روش مقارن با لمس عورت است. با ملاحظه این امور باید بررسی کنیم که آیا این روش جایز هست یا نه. این روش نطفه را از بین می‌برد و اینجا صرف احتمال از بین بردن نطفه نیست. در راه اول گفتیم این احتمالی است ولی اینجا متعیناً این کار را انجام می‌دهد. البته ممکن است بگوییم با استفاده از دستکش یا شبیه آن که مثل پوشش عمل می‌کنند، مانعیت لمس عورت برطرف شود. اما ظاهراً مسأله نظر یک چیزی است که اجتناب ناپذیر است و نمی‌توان بدون نظر این کار را انجام داد. مگر اینکه دستگاه یا روشی باشد که بدون نظر این کار را انجام دهد؛ ولی حتی اگر بخواهند با دستگاه انجام دهند، از طریق دوربین باید مشاهده شود که این دستگاه در کجا قرار می‌گیرد و کیفیت نصب آن کنترل شود. من خیلی بیشتر از این وارد نیستم و نمی‌توانم اظهار نظر کنم. اما به هر حال ما این سه عنوان را به عنوان عناوینی که می‌توانند موجب حکم به حرمت استفاده از این روش شود، باید بررسی کنیم.

برخی هم اشکال کرده‌اند که نه تنها در این روش بلکه حتی در روش اول که از برخی داروها استفاده می‌شود، اگر این داروها ضرر نداشته باشد و بی‌ضرر بودن آن توسط کارشناسان تأیید شده باشد، استفاده از این قرص‌ها و آمپول‌هایی که به نوعی نطفه را از بین می‌برند، اشکالی ندارد. آنها می‌گویند نطفه چیزی نیست که به عنوانها مشمول ادله حرمت شود؛ چون عنوان جنین بر آن صدق نمی‌کند تا از بین رفتن آن به معنای سقط جنین باشد. ما هم این احتمال را تقویت کردیم و گفتیم به نظر می‌رسد از نظر عرف خاص و به تبع آن عرف عام، عنوان سقط جنین بر از بین رفتن نطفه صدق نمی‌کند. اما در برخی از کتاب‌های مربوطه اینطور ادعا شده که اگر نطفه منعقد شده باشد و قبل از بیست هفتگی بیفتد و از بین برود، در اصطلاح پزشکی به آن سقط گفته می‌شود. اگر کسی نطفه را تا بیست هفتگی به نوعی بیندازد و از بین ببرد، می‌گویند سقط کرده است. اما اگر آنچه که در درون شکم قرار دارد بعد از بیست هفتگی بیفتد، به آن زایمان زودرس می‌گویند. این اصطلاحات نیز مانند خیلی از موارد دیگر، محل اختلاف است.

بیست هفته حدود چهار ماه و نیم است. مثلاً اگر در شش ماهگی بچه به نوعی تلف شود، در عرف عام می‌گویند سقط کرده است. اما طبق این ادعا، به این زایمان زودرس می‌گویند و ادعا می‌کنند که بچه مرده به دنیا آمده است و شاید عنوان سقط را در این فرض به کار نبرند. این مطلبی است که ادعا شده که تا بیست هفتگی را سقط می‌گویند و از بیست هفتگی به بعد را به عنوان زایمان زودرس معرفی می‌کنند؛ اگر بچه زنده باشد می‌گویند بچه نارس به دنیا آمده و اگر زنده نباشد می‌گویند مرده به دنیا آمده است.

خلاصه: بحث ما چه در راه اول و چه در راه دوم در مورد نطفه قبل از مرحله لانه‌گزینی است؛ منتهی در راه اول چون قرص‌ها دو منظوره هستند، لذا عدم لانه‌گزینی به صورت یک احتمال مطرح است و ممکن است عدم تکون فرزند به خاطر جلوگیری از تشکیل نطفه باشد. منتهی کاربرد راه دوم فقط جلوگیری از لانه‌گزینی است. همچنین راه دوم یک مقارناتی

مثل لمس و نظر به عورت داشت که در راه اول این مقارنات وجود ندارند. فعلاً باید دید اصل اینکه به نوعی در نطفه منعقد تأثیر بگذارند تا امکان لانه‌گزینی پیدا نکند و از بین برود، فی نفسه چه حکمی دارد؟

بعضی معتقدند که به طور کلی در این مرحله هیچ مانعی وجود ندارد و از بین بردن نطفه تا این مرحله به عنوان سقط جنین محسوب نمی‌شود. تنها مانع در اینجا همان روایتی است که از اسحاق ابن عمار نقل شده است. پاسخی که در مورد روایت دادیم ممکن است در روش اول کارآیی داشته باشد اما در روش دوم کاربردی ندارد. در روش دوم نطفه‌ای که منعقد شده از بین می‌رود. روایت چنین بود: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع) الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِي مَا فِي بَطْنِهَا قَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ فَقَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ». در این روایت از زنی سؤال شده که از خوف حمل دارویی مصرف می‌کند و آنچه که در شکم دارد را می‌اندازد. امام (ع) در پاسخ فرموده‌اند این کار جایز نیست. راوی در ادامه می‌گوید این نطفه است. امام (ع) می‌فرماید اولین چیزی که خدا خلق می‌کند نطفه است.

براساس این روایت ما کاری به صدق عنوان جنین بر نطفه نداریم و این خودش یک دلیل مستقلاً بر حرمت تلقی می‌شود. مسأله صدق عنوان جنین بر نطفه در مدت دو هفته اول، به نوعی می‌تواند در شمول ادله حرمت سقط جنین نسبت به مانحن فیه مؤثر باشد. ولی اینجا بحث خود نطفه است؛ طبق این بیان که امام (ع) فرموده‌اند، از بین بردن خود نطفه محل اشکال است.

سؤال:

استاد: احکام روی عناوین فعلی می‌روند و الا خود اسپرم و منی قابلیت تبدیل به نطفه را دارد که بعد علقه و مضغه می‌شود. پس حتی اگر بر صدق عنوان جنین بر نطفه تشکیک کنیم که بعید هم نیست؛ چون در این مرحله نه گوشتی و نه استخوانی و نه عضوی تشکیل شده و این فقط در حد یک سلول غیر قابل رؤیت است؛ لذا بعید است که عنوان جنین بر آن سقط کند. این را باید از اهل فن پرسید که آیا واقعاً در این مرحله اطلاق عنوان جنین می‌شود یا نه. ما فعلاً با قطع نظر از این جهت بحث می‌کنیم. اگر عنوان جنین صدق کند، قهراً باید ادله حرمت سقط جنین را اینجا مورد بررسی قرار دهیم. به هر حال این روایت به حسب ظاهر بر عدم جواز از بین بردن نطفه به هر طریقی، دلالت دارد. اگر راه اول احتمالی باشد و به سبب احتمال از مسأله فرار کنیم، در راه دوم دیگر مسأله احتمال نیست و خود از بین بردن نطفه مطلقاً محل اشکال است. وقتی می‌فرماید: «اول ما خلق الله النطفة»، این اطلاق دارد و شامل قبل و بعد از لانه‌گزینی می‌شود. این نمی‌گوید که انداختن نطفه در کدام مرحله حرام است بلکه می‌گوید مطلق انداختن نطفه جایز نیست.

سند این روایت خوب است و دلالت آن روشن و واضح است. لذا اگر ما باشیم و این روایت، این روایت بر حرمت استفاده از روش I U D برای از بین بردن امکان لانه‌گزینی نطفه در رحم دلالت دارد. البته همان طور که عرض شد این با قطع نظر از این است که آیا سقط جنین در اینجا صادق هست یا نه. اگر صادق باشد، پای ادله حرمت سقط جنین هم به میان می‌آید.

إن قلت: کسی ممکن است بگوید این شخص نطفه را از بین نبرده تا فعل او حرام شود؛ این شخص فقط یک دستگاه کار گذاشته یا فقط یک دارویی را مصرف کرده است. لذا از بین رفتن نطفه مستند به این شخص نیست بلکه مستند به آن دارو و دستگاه است.

قلت: این اشکال آن است که الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار. کسی که خودش سبب یک کاری شود که نسبت به فعل حرام اختیار را از خودش سلب کند، این منافاتی با مسئولیت او و حرمت کاری که انجام می‌دهد، ندارد. مثال واضح برای این مورد آن است که اگر کسی خودش را از بالای پشت بام بیندازد و وسط راه پشیمان شود، تأثیری در استناد این فعل به او و حرمت عمل او ندارد؛ چون خودش کاری کرده که اختیار او برای بازگشت از بین رفته است. اینجا نیز همین طور است؛ بله، درست است که نصب کننده دستگاه باعث این حرام شده ولی وقتی او این دستگاه را کار می‌گذارد و زن رضایت می‌دهد که این کار انجام شود، نتیجه قهری و اجتناب ناپذیر آن این است که نطفه از بین برود، ولو اینکه در میانه راه دخالتی در این عمل نداشته باشد. لذا در مجموع به نظر می‌رسد که استفاده از این دستگاه از این جهت خالی از اشکال نباشد. اما مسأله ضرر، نظر و لمس را هم باید بررسی کنیم و ببینیم مقتضی حکم حرمت هستند یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»